

محرک نخستین

از نظر

ارسطو و صدرا

دکتر سید مصطفی محقق داماد

در راه کمال است. هستی کمال ثابت و مجرد است و هستی غیر کامل که می‌خواهد کامل شود مادی است. و چون صدرا حرکت را در جوهر اشیاء می‌داند، سیلان را لازمه این مرحله از هستی معرفی می‌کند. و بهرحال حرکت از نظر وی نحوه وجود و از امور عامه، یعنی فلسفه مابعدالطبیعه می‌باشد.

ارسطو یکی از مباحثی را که در مبحث حرکت مطرح کرده است اثبات محرک نخستین است بنظر وی مبدأ تحریک اصلی، امری غیر مادی است.

البته برهان ارسطو بعدها در فلسفه بعنوان برهان اثبات واجب الوجود مطرح شده در حالیکه ناگفته پیداست مسئله وجود واجب الوجود از مسائل علوم طبیعی نیست و ارسطو بهیچ وجه آن را بدین لحاظ مطرح نساخته است، چراکه در علم طبیعی سخن از هست و نیست مطلق نمی‌باشد، بلکه علم طبیعی درباره عوارض و خواص اجسام از آن جهت که متغیرند بحث می‌کند، نه از هست و یا نیست آن؛ بعدها حکمای الهی از این برهان استفاده کردند و چون مبادی این برهان در علم طبیعی بحث می‌شود، بنام برهان طبیعیون معروف شده است. حاجی سبزواری می‌گوید:

«ثم الطبيعي سبيل الحركة يسلك للحق سبيلاً سلکه»

۱ - التحصيل بهمینار بن مرزبان، ص ۴۱۸، (المقالة الثانية من علم مابعدالطبیعه) تصحیح و تعلیق مرتضی مطهری، دانشگاه تهران.

۲ - مبدأ و معاد ص ۳۴.

۳ - تعلیقات ملاصدرا بر شفا مطبوع در آخر کتاب شفا چاپ سنگی.

پیشینیان، فلسفه حرکت را از خواص جسم می‌دانستند و لذا مبحث حرکت را از مباحث طبیعی بشمار می‌آوردند؛ و اگر احیاناً بسمناسبتی در مباحث مابعدالطبیعه سخن از آن بمیان می‌آمد عذرخواهی می‌کردند. بهمینار می‌گوید:

«فلنبین الآن امر الحركة و توابعها، اذهی بعینها مقوله ان ینفعل او من مقوله ان ینفعل علی مانئنه و ان كان النظر فیها من امر الطبيعي ولكننا اردنا ان یکون المتعلم يفهم ذلك»^۱

بهمینار در متن فوق حرکت را از مباحث طبیعی دانسته، هرچند که به عذری آن را در الهیات آورده است. ابن سینا نیز مبحث حرکت را در مباحث طبیعیات آورده است. وی در مبدأ و معاد می‌گوید: فیلسوف (ارسطو) مباحث حرکت را در کلیات دو کتاب بحث کرده است؛ یکی در کلیات امور طبیعی که همان سماع طبیعی است و دیگری در کلیات امور مابعدالطبیعه^۲

صدرا المتألهین در تعلیقه خود بر کتاب الهیات شفا می‌گوید: کتاب کبیر ما بنام اسفار شامل مباحث الهی است. من سعی کردم در آنجا مسائل را از جنبه هستی و از دید حکیم الهی مطرح کنم تا فیلسوف الهی در اینگونه امور به علوم جزئیة نیازمند نباشد.^۳

ملاصدرا در کتاب اسفار و نیز در سایر کتابهای خود حرکت را در الهیات بحث کرده است چراکه او حرکت را از اقسام وجود دانسته، بدین معنی که وجود تقسیم می‌شود به ثابت و سیال و یا بتعبیر دیگر وجود یا کامل است و یا